

بسم الله الرحمن الرحيم.

متن استفتاء طایف الدین ولد محمد رحیم

چه میفرماید علماء دین اندرین مسئله اگر کسی برای نامزاد خود از پشت تلفون بگوید که از طرف من طلاق هستی، طلاق هستی، طلاق هستی و سه طلاق هستی در حالیکه زن غیر مدخول بها است اما خلوت صحیحه صورت گرفته است و این سخن را در حالت قهرو غضب هم بوده آیا طلاق مغالظه میشود و یا خیر؟ آیا تمام مهر لازم میشود و یاخیر؟ و اگر زن راضی باشد تجدید نکاح نشود میتواند و یاخیر؟

حکم مقام محترم ریاست: آمریت افتاء در مورد ابراز نظر شرعی بعمل آید.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدالله و مصلیا علی رسوله.

آنچه رامستفتی محترم در متن استفتاء ذکر نموده است در مورد آن چنین باید گفت:

که یکی از موارد که در تعلیمات والای دین مقدس اسلام به آن توجه خاص صورت گرفته است همانا تشکیل کانون مقدس خانواده میباشد، لذا برای انتخاب همسفر در زندگی که قدم اول در تشکیل خانواده است، رهنمایی های لازمی را دین مقدس اسلام نموده است، لذا در روشنی این ارشادات الهی باید تصمیم گرفته شود تا کانون گرم خانواده و شیرازه آن از هم پاشی و گسست در امان بماند.

ولی در خصوص مسئله استفتاء شده فوق باید گفت که عقد نامزادی از لحاظ فقهی اگر چه نکاح نیست بلکه وعده به نکاح است، ولی اگر با وجود این هم در مجلس عقد نامزادی ایجاب و قبول صورت بگیرد باز این عقد نامزادی به عقد نکاح تبدیل شده تمام آثار نکاح به آن مرتب می گردد، لذا اگر در مجلس نامزادی شما نیز عقد نکاح با ایجاب و قبول تکمیل شده باشد باز طلاق را که شما داده اید واقع شده و خانم تان با سه طلاق مغالظه و بینونت کبری از شما جدا شده است، چون اگر چه خانم شما ظاهرا غیر مدخول بها است ولی با انجام خلوة صحیحه حکما نزد فقهاء حنفی مدخول بها محسوب می گردد چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: **{وَالْخُلُوةُ الصَّحِيحَةُ فِي النِّكَاحِ الصَّحِيحِ كَالدُّخُولِ}** الاختيار لتعليل المختار، ج/ ۳ ص/ ۱۰۳.

و همچنان در البحر الرائق نیز در این خصوص چنین آمده است: **{وَالْخُلُوةُ الصَّحِيحَةُ كَالدُّخُولِ}**. البحر الرائق، ج/ ۳، ص/ ۲۲۷.

و از اینکه شما لفظ طلاق را مکررا در یک مجلس به زبان آورده اید و سه طلاق بلفظ واحد و در مجلس واحد برای خانم مدخول بها نزد فقهاء حنفی سه طلاق شمرده شده نافذ پنداشته می شود، و با وقوع طلاق سه گانه رابطه زوجیت میان شما و همسرتان با بینونت کبری قطع گردیده است چون طلاق از جمله امور سه گانه است که هزل و جد در آن حکم یکسان دارد یعنی اگر به

مزاح و شوخی گفته شود و یا با جدیت واراده در هر حالت طلاق واقع می‌گردد لذا با گفتن اینکه طلاق هستی مکرراً سه بار، سه طلاق واقع شده است چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: **{و طلاق البدعة: أن يطلقها ثلاثاً بكلمة واحدة، أو ثلاثاً في طهرٍ واحدٍ فإذا فعل ذلك وقع الطلاق، وبانت منه، وكان عاصياً.}** الهدایه ج/ ۲، ص/ ۳۳۴.

و هرگاه شوهر خانم خود را سه طلاق داد در میان آنها حرمت مغلظه ثابت شده زوجین با بینونت کبری از یک دیگر جدا می‌گردند و تا وقتیکه حلاله شرعی صورت نگیرد و خانم بعد از سپری نمودن عدت با شخصی دیگر با عقد صحیح نکاح نکند و بعد از همبستر شدن از وی طلاق نگیرد به شوهر اولی خود حلال نمی‌گردد چنانچه در این در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: **{والمبانیة بالثلاث لا تحل له حتی تنكح زوجاً غیره نکاحاً صحیحاً، ویدخل بها ثم تبین منه}** الاحتیارات لتعلیل المختار، ج/ ۳، ص/ ۱۵۰.

و اگر در عقد نامزادی شما ایجاب و قبول صورت نگرفته باشد باز این مرحله نامزادی چون شرعاً نکاح نیست بلکه وعده به نکاح است لذا فسخ آن به طلاق نیاز ندارد و در جریان این مرحله هر یکی از طرفین بدون طلاق حق فسخ عقد نامزادی را دارند چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: **{لو قال هل أعطيتها (أعطيتها) فقال أعطيتك إن كان المجلس للوعد فوعد وإن كان للعقد فنكاح}** البحر الرائق، ج/ ۳، ص/ ۸۹.

و اگر کسی نامزد خود را که با وی ایجاب و قبول نکرده باشد طلاق هم دهد طلاق وی لغو پنداشته می‌شود چون قیام قید نکاح برای صحت طلاق شرط گفته شده است و در صورتیکه نکاح نشده باشد طلاق اصلاً بی محل بوده و صحت ندارد چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین آمده است: **{وَأَمَّا شَرْطُهُ عَلَى الْخُصُوصِ فَشَيْئَانِ أَحَدُهُمَا قِيَامُ الْقَيْدِ فِي الْمَرْأَةِ نِكَاحٍ أَوْ عِدَّةٍ}** الفتاوی الهندیه، ج/ ۱، ص/ ۳۴۸.

بادر نظر داشت عبارات فوق اگر در محفل نامزادی عقد نکاح شما بسته نشده باشد باز این طلاق شما لغو پنداشته شده هیچ اثری به آن مرتب نمی‌گردد و خلوت صحیحه شما به همراهی آن خانم گناه تلقی می‌شود.

و همچنان باید گفت که قهر و غضب تا وقتیکه در درجه نهایی خود نرسیده باشد که متکلم نسبت فرط و شدت غضب به گفتار و کردار خود حاکم نباشد، در عدم وقوع طلاق نزد فقهاء حنفی تاثیر ندارد، ولی اگر غضب به حالتی رسیده باشد که متکلم کنترل حالت و حواس خود را از دست بدهد باز طلاق وی معتبر نیست ولی درک این حالت به شخص طلاق دهنده تعلق دارد.

و همچنان در مورد لزوم و عدم لزوم مهر باید گفت که نزد فقهاء حنفی رحمهم الله یکی از موارد که مهر به آن موکد و لازم می‌گردد خلوت صحیحه است لذا بخاطر اینکه در این قضیه هم خلوت صحیحه صورت گرفته است لذا مهر نیز در صورتیکه مسمی و تعیین شده بوده باشد همان لازم می‌گردد و در صورت عدم تعیین مهر مثل لازم می‌گردد. چنانچه در این خصوص در کتاب مشهور فقه حنفی چنین

أمده است: { وَالْمَهْرُ يَتَأَكَّدُ بِأَحَدِ مَعَانِ ثَلَاثَةِ الدُّخُولِ وَالْخَلْوَةِ الصَّحِيحَةِ وَمَوْتُ أَحَدِ  
الزَّوْجَيْنِ سِوَاءَ كَانَ مُسَمًّى أَوْ مَهْرَ الْمِثْلِ } (١)

والله اعلم وعلمه اتم  
راقم الحروف "محمدعارف مصلح